

Akhlaq-i zisti

i.e., Bioethics Journal

2026; 16(41): e4

Institute of Bioethics
and Health LawMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Sociological Analysis of the Social Consequences of Distant Families (Case Study: Drivers of the Snapp Ride-Hailing Company Residing in Tehran in 2024-25)

Rasoul Fallahian Hasanabad¹ , Baqer Saroukhani^{1*} , Parvin Soudian¹

1. Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The aim of this study is to explore and deeply understand the lived experience of long-distance families from the perspective of drivers working on the Snapp internet platform in Tehran, and to analyze the consequences of this type of life.

Methods: This research was conducted using a qualitative method within an interpretive phenomenological approach, so that the lived meaning of this phenomenon could be revealed through participants' narratives. The target population consisted of Snapp drivers in Tehran who are continuously away from their families for periods of several months. Participants were selected through purposive and snowball sampling based on specific criteria. Data were collected using in-depth, semi-structured interviews. The analysis followed the model proposed by Smith et al. (2009), proceeding through six stages including coding, theme extraction, and clustering.

Ethical Considerations: In all research stages, confidentiality was maintained, and informed consent was obtained from participants.

Findings: The findings indicated that the consequences of distance-living can be categorized into two main axes: family-related and social. Examining these consequences within such a context offers a contextualized understanding of the Long-distance phenomenon and investigates the impact of this lifestyle on social structure and family relationships. Thematic analysis revealed that living at a distance not only weakens emotional bonds among family members, but also leads to bio-social insecurity and the erosion of the family's social capital at the societal level. These consequences challenge the family's role in cultural and social reproduction. Given the evidence suggesting an increase in the population of such families, this study underscores the need to rethink macro-level employment policies and to design institutional solutions aimed at mitigating its negative effects.

Conclusion: The findings of the study emphasize the need to rethink macro-level policies in the field of population and family, aiming to recognize this type of family (distant families) at the national level through the establishment of a national committee and national systems for registration and monitoring of distant families, strengthening welfare and social security systems to reduce economic and psychological pressures, and designing cultural and educational interventions to maintain family and social bonds.

Keywords: Long-distance family; Family consequences; Social consequences; Interpretive phenomenology; Bio/social insecurity

Corresponding Author: Baqer Saroukhani; **Email:** b.saroukhani@iau.ac.ir

Received: January 6, 2026; **Accepted:** May 20, 2026; **Published Online:** June 17, 2026

Please cite this article as:

Fallahian R, Saroukhani B, Soudian P. Sociological Analysis of the Social Consequences of Distant Families (Case Study: Drivers of the Snapp Ride-Hailing Company Residing in Tehran in 2024-25). *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2026; 16(41): e4.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی پژوهشگاه اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره شانزدهم، شماره چهل و یکم، ۱۴۰۵

تحلیل جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی خانواده دورزی (مورد مطالعه: رانندگان

شرکت اینترنتی اسنپ مقیم شهر تهران در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴)

رسول فلاحیان حسن‌آباد^۱، باقر ساروخانی^۱، پروین سوادیان^۱

۱. گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هدف از این پژوهش واکاوی و فهم عمیق تجربه زیسته خانواده دورزی از منظر رانندگان شاغل در پلتفرم اینترنتی شرکت اسنپ در تهران و تحلیل پیامدهای این نوع زندگی است.

روش: این پژوهش به روش کیفی و در چهارچوب رویکرد پدیدارشناسی تفسیری انجام شد تا از رهگذر روایت‌ها معنای زیسته این پدیده آشکار گردد. جامعه هدف شامل رانندگان شرکت اسنپ در شهر تهران بود که به صورت مستمر و برای دوره‌های چندماهه از خانواده دور هستند. انتخاب مشارکت‌کنندگان به شکل هدفمند و زنجیره‌ای و براساس معیارهایی مشخص صورت گرفت. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. تحلیل‌ها براساس الگوی پیشنهادی اسمیت و همکاران (۲۰۰۹) و طی شش مرحله شامل کدگذاری، استخراج مضامین و خوشه‌بندی انجام شد.

ملاحظات اخلاقی: در کلیه مراحل تحقیق، ضمن حفظ محرمانگی، رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان اخذ گردید.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که پیامدهای خانواده دورزی در دو محور اصلی خانوادگی و اجتماعی قابل دسته‌بندی است. بررسی پیامدها در چنین بافتی، فهمی زمینه‌ای از پدیده خانواده دورزی ارائه می‌دهد و تأثیر این نوع زندگی را بر ساختار اجتماعی و روابط خانوادگی واکاوی می‌کند. تحلیل مضامین استخراج‌شده نشان داد که دورزی نه تنها موجب تضعیف پیوندهای عاطفی میان اعضای خانواده می‌شود، بلکه در سطح اجتماعی نیز موجب ناامنی زیستی - اجتماعی و فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده می‌گردد. این پیامدها نقش خانواده را در بازتولید فرهنگی و اجتماعی دچار چالش می‌سازد و با توجه به شواهد رو به افزایش بودن جمعیت این نوع خانواده‌ها، این پژوهش بر ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های کلان در زمینه اشتغال و طراحی راهکارهای نهادی برای کاهش پیامدهای منفی آن تأکید دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش بر ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های کلان در حوزه جمعیت و خانواده با هدف به رسمیت شناختن این نوع از خانواده (خانواده دورزی) در سطح ملی با تشکیل کمیته ملی و سامانه‌های ملی ثبت و نظارت بر خانواده‌های دورزی، تقویت نظام‌های رفاه و تأمین اجتماعی برای کاهش فشارهای اقتصادی و روانی و طراحی مداخلات فرهنگی و آموزشی به منظور حفظ پیوندهای خانوادگی و اجتماعی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: خانواده دورزی؛ پیامدهای خانوادگی؛ پیامدهای اجتماعی؛ پدیدارشناسی تفسیری؛ ناامنی زیستی / اجتماعی

نویسنده مسئول: باقر ساروخانی؛ پست الکترونیک: b.saroukhani@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۳۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Fallahian R, Saroukhani B, Soudian P. Sociological Analysis of the Social Consequences of Distant Families (Case Study: Drivers of the Snapp Ride-Hailing Company Residing in Tehran in 2024-25). *Akhlaq-i zisti*, i.e., *Bioethics Journal*. 2026; 16(41): e4.

مقدمه

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش مرکزی در تداوم نظام اجتماعی، انتقال ارزش‌ها و فراهم‌سازی امنیت زیستی، روانی و اجتماعی اعضای خود دارد (۱). ساختار و کارکرد خانواده در طول زمان تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفته است؛ از جمله جهانی شدن، گسترش اقتصاد نئولیبرال و تغییرات در الگوهای اشتغال که به بازتعریف روابط خانوادگی انجامیده‌اند (۲). این تحولات، به ویژه در جوامع در حال گذار، باعث شده‌اند الگوهای سنتی خانواده با چالش‌هایی نوین مواجه شوند. در این میان، یکی از پدیده‌های نوظهور در ساختار خانواده «خانواده دورزی» است که در آن اعضای خانواده به دلیل الزامات کاری یا اقتصادی، به‌طور مداوم ضمن حفظ روابط عاطفی از یکدیگر جدا زندگی می‌کنند. خانواده دورزی (Distant Family)، اگرچه در سطح بین‌المللی - تحت عناوینی از جمله خانواده‌های مهاجر کاری - مورد بررسی قرار گرفته است (۳)، اما در ایران مطالعات محدودی به آن پرداخته شده است. از منظر جامعه‌شناختی، خانواده دورزی می‌تواند بازتابی از تعارض کار - خانواده باشد؛ یعنی زمانی که فشارهای نقش کاری و خانوادگی با یکدیگر ناسازگار شوند (۴).

از آنجا که شواهد موجود، رو به افزایش بودن این نوع خانواده را نشان می‌دهد و از طرفی تحقیقات عمیق داخلی در این زمینه وجود ندارد، لذا ضرورت دیده شد تا پژوهش حاضر با هدف واکاوی و فهم عمیق تجربه زیسته خانواده دورزی از منظر رانندگان شاغل در پلتفرم اینترنتی شرکت اسنپ در تهران صورت پذیرد تا با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری، تجربه زیسته رانندگان شاغل در پلتفرم حمل‌ونقل اینترنتی شرکت اسنپ در شهر تهران تحلیل شود و پیامدهای خانوادگی و اجتماعی این الگوی زیستی واکاوی گردد.

لذا در این پژوهش به دنبال آن هستیم که به این پرسش اصلی پاسخ داده شود که «تجربه زیسته رانندگان شاغل در پلتفرم‌های حمل و نقل اینترنتی (و به‌طور اخص شرکت اسنپ) که در قالب خانواده‌های دورزی در تهران زندگی

می‌کنند، چگونه است و چه پیامدهای خانوادگی و اجتماعی برای آنان دارد؟»

در زمینه تحقیق حاضر، پژوهشی با عنوان تحلیل جامعه‌شناسی پیامدهای اجتماعی خانواده دورزی با تأکید بر جابه‌جایی سرمایه اجتماعی انجام‌شده که نشان داده شده خانواده‌های دورزی با چالش‌های مهمی در رابطه کاهش انسجام خانوادگی، کاهش منزلت اجتماعی، نارضایتی از روابط خانوادگی و بی‌اعتمادی روبه‌رو هستند؛ این پژوهش با تکیه بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی بوردیو، کلمن و پاتنام انجام شده است (۵). در تحقیقی دیگر در رابطه با خانواده‌های رانندگان حمل‌ونقل جاده‌ای، اثر اشتغال دور از خانه والدین بر سلامت روان اعضای خانواده و انسجام خانوادگی بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که دوری والدین موجب افزایش سطح استرس، کاهش انسجام و اختلال در کارکردهای روزمره خانواده می‌شود (۶).

در مقام تبیین مفاهیم کلیدی پژوهش باید گفت، خانواده دورزی به معنای خانواده‌ای است که در آن یکی از اعضا (عمدتاً پدر) به دلیل اشتغال به‌طور مداوم و برای مدت طولانی به اجبار جدا از سایر اعضای خانواده زندگی می‌کند، اما پیوند عاطفی میان اعضا همچنان حفظ می‌شود (تعریف براساس پژوهش حاضر).

همچنین منظور از تجربه زیسته، برداشت‌ها، معانی و احساساتی است که افراد در جریان زیستن وضعیت خاصی را تجربه می‌کنند (۷).

پیامدهای خانوادگی و اجتماعی، شامل آثار ملموس یا نمادینی است که بر روابط اجتماعی، نقش‌ها و انسجام خانواده وارد می‌شود، از جمله احساس طرد، انزوا، تعارض نقش و کاهش مشارکت اجتماعی (۴، ۸).

در خصوص عبارت ناامنی زیستی/اجتماعی نیز باید گفت، امنیت مفهومی چندوجهی است و تفاهم عام و قطعی بر آن وجود ندارد. به‌طور کلی، امنیت در این‌جا به معنای «برخورداری از آسودگی و آرامش کامل و دوری از هرگونه دغدغه و خطر زیستی» است و معانی گسترده‌ای را در ذهن تداعی می‌کند (۹).

در خصوص مبانی نظری این پژوهش باید افزود، تحلیل پدیده خانواده دورزی در چهارچوب نظریه‌های اجتماعی، امکان درک عمیق‌تر از ساختار، کارکرد و پیامدهای این نوع خانواده را فراهم می‌سازد. با توجه به ابعاد مختلف مورد بحث در این تحقیق، هریک از رویکردهای نظری، از زاویه‌ای خاص به بررسی پویایی خانواده دورزی می‌پردازد.

نظریه کنش متقابل نمادین و هویت اجتماعی (جرج

هربرت مید): نظریه کنش متقابل نمادین با تمرکز بر سطح خرد کنش‌های اجتماعی، شکل‌گیری هویت را محصول تعاملات اجتماعی معنادار می‌داند. از دیدگاه جرج هربرت مید، «خود» در فرآیندی تعاملی و از طریق درونی‌سازی نقش‌های دیگران، به‌ویژه «دیگری تعمیم‌یافته»، شکل می‌گیرد (۱۰). در این چهارچوب، خانواده نه صرفاً یک ساختار نهادی، بلکه شبکه‌ای پویا از تعاملات نمادین است که از طریق زبان، گفت‌وگو، عواطف و کنش‌های روزمره بازتولید می‌شود. در خانواده‌های دورزی، کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره، به‌ویژه میان پدر و فرزندان، می‌تواند فرآیند درونی‌سازی نقش‌های والدینی و شکل‌گیری هویت نقش‌محور را مختل کند. از این منظر، دورزی صرفاً فاصله‌ای فیزیکی نیست، بلکه نوعی گسست تعاملی است که پیامدهای هویتی و عاطفی برای اعضای خانواده به همراه دارد.

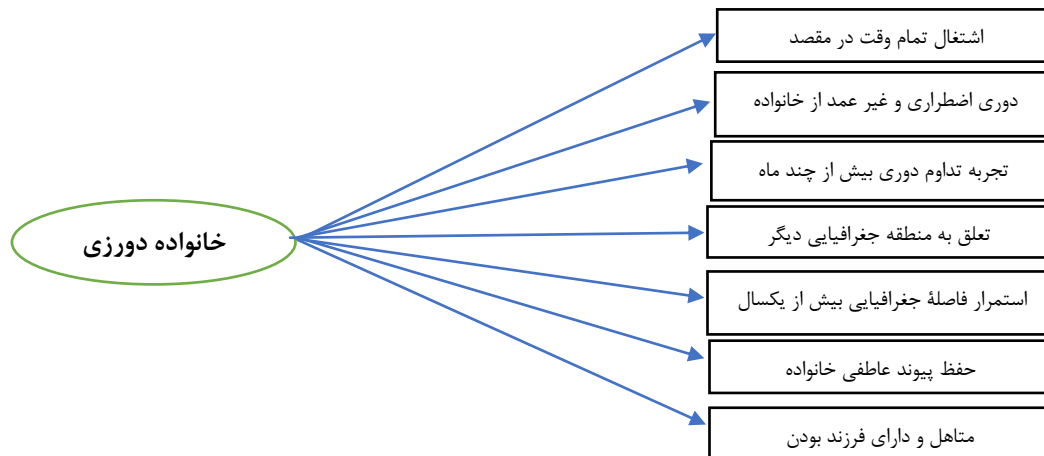
نظریه کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز: تالکوت

پارسونز خانواده را نهادی اساسی برای حفظ نظم اجتماعی می‌داند و بر کارکردهای بنیادین آن، به‌ویژه اجتماعی کردن اولیه کودکان و تأمین ثبات روانی بزرگسالان، تأکید می‌کند (۱). از نظر او، در جوامع صنعتی، خانواده هسته‌ای نقشی کلیدی در انتقال ارزش‌ها و تثبیت نقش‌های اجتماعی ایفا می‌کند. در زمینه خانواده‌های دورزی، تحلیل پارسونز نشان

می‌دهد که غیبت فیزیکی یکی از والدین می‌تواند برخی از کارکردهای اساسی خانواده، ازجمله نظارت تربیتی، حمایت عاطفی و ایفای نقش‌های مکمل والدینی را با اختلال مواجه سازد. با این حال، از منظر انتقادی می‌توان گفت که خانواده‌های دورزی الزاماً با فروپاشی کارکردها روبه‌رو نیستند، بلکه می‌توان از طریق بازتوزیع نقش‌ها، بهره‌گیری از منابع حمایتی بیرونی و سازوکارهای جایگزین، بخشی از کارکردها را بازسازی کرد.

نظریه سرمایه اجتماعی پیر بوردیو: پیر بوردیو سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع بالفعل و بالقوه می‌داند که از طریق شبکه‌ای پایدار از روابط مبتنی بر شناخت و اعتماد متقابل به دست می‌آید (۱۱)، از نظر او، سرمایه اجتماعی همواره با سایر اشکال سرمایه، ازجمله سرمایه اقتصادی و فرهنگی در پیوند است و در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی نقش دارد. در خانواده‌های دورزی، سرمایه اجتماعی درون‌خانوادگی می‌تواند از طریق ارتباطات منظم، تماس‌های مجازی و دیدارهای دوره‌ای حفظ شود. افزون بر این، شبکه‌های گسترده‌تر خویشاوندی، دوستان و جامعه محلی می‌توانند به‌عنوان سرمایه اجتماعی مکمل عمل کرده و بخشی از خلأ ناشی از فاصله مکانی را جبران کنند. با این حال، دسترسی نابرابر خانواده‌ها به این شبکه‌ها و تفاوت در کیفیت آن‌ها می‌تواند پیامدهای متفاوتی برای اعضای خانواده به همراه داشته باشد.

در نهایت لازم است که مدل نظری پژوهش ترسیم گردد. براساس آنچه ذکر شد، در مدل زیر نشان داده شده است که خانواده دورزی باید این معیارها و ویژگی‌ها را دارا باشد و نتایج تحقیق می‌تواند برای جمعیت‌ها و خانواده‌هایی قابل تعمیم باشد که به دلیل ماهیت شغلی‌شان این ویژگی‌ها و شرایط را دارا هستند.



روش

پژوهش حاضر در چهارچوب رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری (IPA: Interpretative Phenomenological Analysis) انجام شده است. پدیدارشناسی تفسیری، برخاسته از تلفیق سه بنیان معرفت‌شناختی است: نخست، پدیدارشناسی فلسفی با تأکید بر تجربه زیسته (همچون آرای هوسرل و هایدگر)؛ دوم، هرمنوتیک یا علم تفسیر که بر اهمیت فرآیند فهم و تأویل تأکید دارد؛ و سوم، رویکرد ایدئالیستی تفسیری که بر این باور است که واقعیت اجتماعی از طریق کنش متقابل، زبان، زمینه فرهنگی و ذهنیت فردی ساخته و تفسیر می‌شود (۱۲). این روش برای مطالعه عمیق و ژرف‌نگر تجربه‌های زیسته افراد درباره یک پدیده خاص به کار می‌رود و تمرکز اصلی آن بر چگونگی ادراک، تفسیر و معناسازی کنشگران از تجربه‌های خود است (۱۳). با توجه به ماهیت مسأله پژوهش حاضر - یعنی تجربه زیسته «زندگی دور از خانواده» - روش IPA رویکردی مناسب برای فهم ابعاد عاطفی، معنایی و رابطه‌ای این تجربه تلقی می‌شود.

۱. جامعه هدف

جامعه مورد پژوهش، شامل رانندگانی است که به صورت تمام‌وقت در شرکت اینترنتی اسنپ در شهر تهران مشغول به کار هستند و به دلایل اقتصادی یا شغلی، ناگزیر به زندگی جدا از خانواده خود می‌باشند. این افراد اغلب اهل شهرستان‌ها

یا استان‌های دیگر کشور هستند که برای کسب درآمد بیشتر، خانواده خود را در محل سکونت پیشین باقی گذاشته و خود به‌تنهایی در تهران سکونت گزیده‌اند.

۲. ابزار گردآوری اطلاعات

برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. مصاحبه‌ها با طرح پرسش‌های باز، کلی و غیرهدایت‌گر آغاز شد تا مشارکت‌کنندگان بتوانند تجربه‌ها، احساسات، افکار و برداشت‌های خود را درباره زندگی دور از خانواده به‌صورت روایی و تأمل‌برانگیز بیان کنند. این شیوه امکان انعطاف در جریان مصاحبه و تعمیق در موضوعات برآمده از گفت‌وگو را فراهم می‌سازد (۱۳).

مصاحبه‌ها اغلب در محل استراحت راننده یعنی پاتوق‌های آن‌ها در پارک‌ها و برخی خیابان‌ها در تهران انجام شد. برخی دیگر که منزل مجردی داشتند به منزل آن‌ها مراجعه شد. با توجه به محدودیت زمانی راننده هر مصاحبه حدوداً یک ساعت به طول می‌انجامید، در بسیاری از موارد ادامه مصاحبه‌ها به زمان دیگری موکول می‌گردید. محور سؤالات عمدتاً در رابطه با نگاه راننده به این نوع زندگی، معنایی که به آن می‌دهند و چگونگی کنار آمدن با این شیوه زندگی بود. ابتدا یک سؤال باز انتها پرسیده می‌شد و در ادامه سایر سؤالات مورد نظر برای هدایت مصاحبه مطرح می‌شد.

۳. روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری نیز در این پژوهش، هدفمند و با استفاده از نمونه‌گیری زنجیره‌ای (گلوله‌برفی) انجام شده است. در این شیوه، پژوهشگر افرادی را انتخاب می‌کند که بتوانند اطلاعاتی غنی، مرتبط و ژرف درباره پدیده مورد مطالعه ارائه دهند. همچنین، رویکرد حداکثر تنوع به‌منظور پوشش طیف گسترده‌ای از تجربه‌ها در میان مشارکت‌کنندگان مدنظر قرار گرفت (۱۴).

۴. روش و فرآیند تحلیل یافته‌ها

در رابطه با تحلیل یافته‌ها، از چهارچوب شش‌مرحله‌ای پیشنهادی اسمیت، فلاورز و لارکین (۲۰۰۹) یعنی IPA استفاده شده است. فرآیند تحلیل در این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد مضامین را به صورت نظام‌مند، از سطح داده خام تا سطوح بالاتر تفسیر، استخراج کند (۱۲).

۱. خواندن و بازخوانی داده‌ها (Reading and Re-reading)؛

۲. یادداشت‌برداری اولیه (Initial Noting)؛

۳. استخراج مضامین اولیه (Developing Emergent Themes)؛

۴. جستجوی ارتباط بین مضامین (Searching for Connections Across Themes)؛

۵. تکرار مراحل برای موارد دیگر (Moving to the Next Case)؛

۶. یافتن الگوهای مشترک و تفاوت‌ها (Looking for Patterns Across Cases).

تحلیل یافته‌ها در این پژوهش با تکیه بر روش IPA، امکان فهمی تفسیرمحور از تجربه دوری از خانواده در میان رانندگان را فراهم می‌سازد. در این رویکرد، داده‌ها نه تنها توصیف می‌شوند بلکه معناها و برداشت‌های نهفته در دل تجربه‌ها نیز آشکار می‌گردد. پژوهشگر نقش فعالی در کشف لایه‌های پنهان معنا دارد و با بهره‌گیری از این مراحل تحلیلی، می‌تواند به درکی عمیق و ساختاری از پدیده مورد مطالعه دست یابد. در نهایت در این پژوهش توجه به بافت باعث شد تحلیل‌ها ریشه‌دارتر و واقعی‌تر باشند.

۵. اعتبارسنجی داده‌ها

در پژوهش‌های کیفی، اعتبارسنجی معادل مفاهیم روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی نیست، بلکه در قالب معیارهایی چون باورپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت وابستگی و تأییدپذیری بررسی می‌شود (۱۵). در پژوهش حاضر، برای افزایش اعتبار، از بازخوانی مکرر داده‌ها، مستندسازی دقیق فرآیند تحلیل، استفاده از نقل‌قول‌های مستقیم مشارکت‌کنندگان و تأیید نتایج توسط متخصصان بهره گرفته شد.

۶. کمی‌سازی حمایتی داده‌ها

به منظور پشتیبانی تحلیلی از یافته‌های کیفی و بدون نقض ماهیت ایدیوگرافیک روش IPA، از کمی‌سازی محدود، توصیفی و ثانویه استفاده شد. تأکید می‌شود که اعداد در این پژوهش جایگزین تفسیر کیفی نشده‌اند، بلکه صرفاً به‌عنوان ابزاری برای اولویت‌بندی تحلیلی مضامین به کار رفته‌اند؛ شاخص‌هایی چون میزان شیوع، فراوانی قطعات کدگذاری شده و شدت تجربه تنها برای مقایسه تحلیلی خرده‌مضامین و تعیین اولویت‌های مفهومی استفاده شده و تمامی تفسیرهای نهایی، همچنان ماهیت کیفی و تفسیری خود را حفظ کرده‌اند.

در ادامه به اختصار هریک از شاخص‌ها و روش محاسبه آن شرح داده شده‌اند:

شیوع (Prevalence)

تعریف: تعداد مشارکت‌کنندگانی که دست‌کم یک‌بار به خرده‌مضمون اشاره کرده‌اند.

فرمول $P\% = (n / 36) \times 100$ (شمار افراد ذکرکننده = n)

طبقات در نظر گرفته شده برای گزارش:

کم: ≥ 25 درصد (≥ 9 نفر)

متوسط: ۲۶-۴۹ درصد (۱۷-۱۰ نفر)

بالا: ۵۰-۷۴ درصد (۲۶-۱۸ نفر)

فراگیر: ≤ 75 درصد (≤ 27 نفر)

نکته شایان ذکر این‌که در این پژوهش خرده‌مضامینی بررسی شد که دست‌کم شیوع متوسط رو به بالا را داشتند و از طرح سایر خرده‌مضامینی که شیوع پایین داشتند پرهیز شد.

برای محاسبه شاخص اهمیت مضمون به روش زیر عمل می‌شود:

$$\text{شیوع } (0/0) \times (\text{شدت } 5) \times 100 = \text{TPS_A}$$

آستانه‌های تصمیم‌گیری (برای برچسب‌گذاری علمی)

تم هسته‌ای (Core): $P \geq 50$ و $I \geq 3.5$ (یا $\text{TPS_A} \geq 41$)

تم مهم: (Major) $P \geq 25-49$ و $I \geq 3.0-3.4$ (یا $\text{TPS_A} \geq 21-40$)

تم فرعی حساس (Critical-rare): $P < 25$ و $I \geq 4$ (فرآوانی کم اما شدت بالای قابل توجه)

تم زمینه‌ای (Background): $P < 25$ و $I < 3$ (ثبت می‌شود، ولی در اولویت سیاست‌گذاری‌ها نیست).

۷. برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

به منظور دستیابی به درکی عمیق از تجربه‌های زیسته خانواده‌های دورزی، در این پژوهش با ۳۶ نفر از رانندگان شاغل در شرکت حمل و نقل اینترنتی اسنپ در شهر تهران که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. تنوع جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش به گونه‌ای بوده است که امکان مقایسه و تحلیل چندبعدی پیامدهای خانوادگی و اجتماعی فراهم گردد.

۱. سن مشارکت‌کنندگان: بازه سنی رانندگان مشارکت‌کننده از ۲۸ تا ۵۵ سال متغیر بود. افراد بیشتر در گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال (۵۰ درصد) بودند. افراد در این بازه سنی عموماً در مرحله میانسالی قرار داشته و بیشترین بار مسئولیت اقتصادی و عاطفی خانواده را بر دوش می‌کشند.

۲. وضعیت تأهل: مشارکت‌کنندگان همگی متأهل و دارای همسر بودند. اکثریت مشارکت‌کنندگان تجربه زندگی خانوادگی فعال داشته و به همین دلیل کیفیت روابط همسری و والدگری در تحلیل داده‌ها برجستگی بیشتری پیدا کرده است.

۳. تعداد فرزندان: بررسی نشان داد که بیشترین فراوانی مربوط به افرادی با دو فرزند (۵۲ درصد) بود. حدود ۳۶ درصد تنها یک فرزند داشتند و ۱۲ درصد دارای سه فرزند یا بیشتر بودند. هرچه تعداد فرزندان بیشتر بود، فشار روانی، مسئولیت عاطفی و بار مالی ناشی از دورزیستی نیز بیشتر گزارش شد.

با توجه به اینکه مشارکت‌کنندگان به صورت زنجیره‌ای و یا گلوله برفی شناسایی شدند، هر فرد تعداد زیادی را از کسانی معرفی می‌نمود که شرایط ورود به تحقیق را داشتند و تحقیق پس از مصاحبه با ۳۶ نفر به اشباع نظری رسید. اما این خود نشان‌دهنده رو به افزایش بودن این نوع خانواده‌ها و شیوع این پدیده بود.

فراوانی قطعه / چگالی کد (Code Density)

تعریف: میانگین تعداد قطعات کدگذاری‌شده برای آن خرده‌مضمون در میان «ذکرکنندگان».

فرمول: تعداد افراد ذکرکننده مضمون / کل قطعات کدگذاری‌شده خرده‌مضمون $D =$

شدت / تأثیر (Intensity)

تعریف: دآوری تحلیلی محقق از «شدت تجربه» بر مقیاس ۱ تا ۵ براساس محتوای روایی (نه لحن عاطفی صرف).

لنگرهای مقیاس (Anchors)

۱ یا $(0/00-0/20)$ = اشاره گذرا، بدون پیامد.

۲ یا $(0/20-0/40)$ = شرح مختصر با پیامد محدود.

۳ یا $(0/40-0/60)$ = توصیف روشن با نمونه و پیامد ملموس در زندگی روزمره.

۴ یا $(0/60-0/80)$ = روایت مفصل همراه با رنج / تعارض یا تغییر الگوهای رفتار.

۵ یا $(0/80-0/100)$ = تجربه محوری هویت / رابطه با پیامد چندبعدی و مکرر.

محاسبه: برای هر مشارکت‌کننده ذکرکننده، یک نمره ۵-۱ داده شده است؛ سپس میانگین شدت بین ذکرکنندگان گزارش می‌شود.

شاخص مرکب اولویت / اهمیت مضمون (TPS_A)

این شاخص به منظور رتبه‌بندی علمی در نظر گرفته شده است که هم «شیوع» و هم «شدت» را به این شکل با هم جمع می‌کند:

$$I_{\text{norm}} = (I-1) / 4 \quad 1-0$$

امتیاز اولویت مضمون:

$$\text{TPS_A} = I_{\text{norm}} \times P\% \rightarrow 0 \text{ تا } 100$$

به عبارتی دیگر:

۴. سطح تحصیلات: سطح تحصیلات مشارکت‌کنندگان تنوع قابل توجهی داشت: حدود ۶۷ درصد دارای مدرک دیپلم یا پایین‌تر، ۲۴ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و کارشناسی، و تنها ۵ درصد دارای تحصیلات بالاتر (کارشناسی ارشد) بودند. تحلیل داده‌ها نشان داد که رانندگان با تحصیلات بالاتر، تجربه فشار روانی ناشی از ناهماهنگی بین موقعیت شغلی و سرمایه فرهنگی خود را بیشتر بیان می‌کردند.
۵. مدت زمان دوری از خانواده: به‌طور میانگین، رانندگان در بازه‌های ۱ تا ۳ ماه در سال دور از خانواده به سر می‌بردند. در مواردی حتی این مدت به ۴ ماه نیز می‌رسید. طولانی بودن این بازه‌های زمانی، در تحلیل مضمون‌ها به‌ویژه در حوزه‌های «گسست عاطفی»، «کاهش انسجام خانوادگی» و «افزایش بیگانگی اجتماعی» انعکاس آشکاری داشت.

جدول ۱: طبقه‌بندی مضامین، مفاهیم و مقایسه یافته‌های پژوهش از نظر فراوانی (درصد)، ضریب تأثیر و میزان شیوع

محور	مضمون اصلی	خرده مضمون	مفاهیم اصلی	تعداد افراد ذکرکننده مضمون	چگالی (D)	TPS_A ۱۰۰-۰	ضریب تأثیر I = (D/5)	میزان شیوع (P)
خانواده	انسجام عاطفی در خانواده	فرسایش سرمایه عاطفی میان زوجین	عاطفی	۳۱ (۱۳۵ قطعه)	(۴/۳)	۷۴	٪۸۶	٪۸۶ فراگیر
		احساس تردشستگی و حاشیه‌نشینی پدر در نظام عاطفی خانواده	عاطفی	۲۵ (۹۸ قطعه)	(۳/۹)	۵۴	٪۷۸	٪۶۹ بالا
		گسست عاطفی و کاهش پایداری پیوندهای خانوادگی	عاطفی	۲۷ (۱۰۵ قطعه)	(۳/۸)	۵۷	٪۷۶	٪۷۵ فراگیر
		کاهش انگیزه فرزندان برای تعامل با والد غایب	عاطفی	۲۵ (۷۵ قطعه)	(۳/۱)	۴۳	٪۶۲	٪۶۹ بالا
		نابسامانی در نقش‌های والدینی و	هویتی	۲۶ (۹۳ قطعه)	(۳/۵)	۵۰	٪۷۰	٪۷۲ بالا
		تضعیف نقش والدینی/ تغییر در الگوهای ارتباطی	هویتی	۲۳ (۷۷ قطعه)	(۳/۳)	۴۱	٪۶۶	٪۶۳ بالا
پیامدهای خانوادگی	فشار روانی و اضطراب مستمر	فقدان الگوهای تعاملی پایدار میان والدین و فرزندان	روابطی	۲۳ (۶۹ قطعه)	(۳/۰)	۳۸	٪۶۰	٪۶۳ بالا
		افزایش فشار روانی و بار مسئولیتی مضاعف بر مادر	روانی	۳۰ (۱۳۰ قطعه)	(۴/۳)	۷۱	٪۸۶	٪۸۳ فراگیر
		احساس گناه یا شرمندگی والد دور از خانه	روانی	۲۴ (۸۹ قطعه)	(۳/۷)	۴۹	٪۷۴	٪۶۳ بالا
		ضعف در تصمیمات مشترک خانوادگی	ساختاری	۲۶ (۹۷ قطعه)	(۳/۷)	۵۳	٪۷۴	٪۷۲ بالا
		تغییر در مرجعیت قدرت و اقتدار درون خانواده	ساختاری	۲۳ (۹۸ قطعه)	(۴/۲)	۵۳	٪۸۴	٪۶۳ بالا
		فرسایش تدریجی روابط زناشویی در خانواده	روابطی	۳۰ (۱۱۵ قطعه)	(۳/۸)	۶۳	٪۷۶	٪۸۳ فراگیر
تعارضات زناشویی و فرسایش روابط	بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل میان زوجین	بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل میان زوجین	روانی/روابطی	۲۲ (۹۶ قطعه)	(۴/۳)	۵۲	٪۸۶	٪۶۱ بالا
		احساس ناکارآمدی در نقش همسری	هویتی	۲۶ (۳/۲)	(۳/۲)	۴۶	٪۶۴	٪۷۲ بالا

محور	مضمون اصلی	خرده مضمون	مفاهیم اصلی	تعداد افراد ذکرکننده مضمون	چگالی (D)	TPS_A ۱۰۰-۰	ضریب تأثیر I = (D/5)	میزان شیوع (P)
				(۸۴ قطعه)				بالا
		کاهش سرمایه اجتماعی و شبکه‌های حمایتی خانواده	ساختاری	۲۸ (۱۱۳ قطعه)	(۴/۰)	۶۱	%۸۰	فراگیر
		افزایش احساس بیگانگی اجتماعی در خانواده دورزی	ساختاری	۲۵ (۶۹ قطعه)	(۲/۷)	۳۷	%۵۴	بالا
		تشدید احساس انگ و نگاه منفی اجتماعی	ساختاری	۲۰ (۶۸ قطعه)	(۳/۴)	۳۷	%۶۸	بالا
		ناامنی روانی / اجتماعی خانواده دورزی	روانی / اجتماعی	۲۶ (۱۱۲ قطعه)	(۴/۳)	۶۲	%۸۶	بالا
		احساس تبعیض و بی‌عدالتی اجتماعی	ساختاری	۲۸ (۱۲۳ قطعه)	(۴/۳)	۶۶	%۸۶	فراگیر
		گسست از شبکه‌های خویشاوندی و اجتماعی	ساختاری	۲۵ (۹۵ قطعه)	(۳/۸)	۵۲	%۷۶	بالا
		ناامنی شغلی و اثرات آن بر راننده و خانواده	امنیتی	۲۷ (۱۱۹ قطعه)	(۴/۴)	۶۶	%۸۸	فراگیر
		افزایش ناامنی زیستی / اجتماعی خانواده	زیستی	۲۹ (۱۳۵ قطعه)	(۴/۶)	۷۳	%۹۲	فراگیر
		کاهش مشارکت در نهادهای اجتماعی و مدنی	ساختاری	۲۵ (۹۵ قطعه)	(۳/۸)	۵۲	%۷۵	بالا
		تمایل به مهاجرت خانوادگی، ترک محل سکونت،	ساختاری	۱۷ (۷۱ قطعه)	(۴/۱)	۳۹	%۸۲	متوسط
		الگوهای مکانی و جمعیتی	هویتی / ساختاری	۱۹ (۶۴ قطعه)	(۳/۳)	۳۴	%۶۶	بالا
		افزایش شکاف نسلی بین فرزندان و والد	ساختاری / اجتماعی	۱۵ (۶۲ قطعه)	(۴/۱)	۳۴	%۸۲	متوسط
		دور از خانه	اجتماعی	۲۰ (۷۹ قطعه)	(۳/۹)	۴۳	%۷۸	بالا
		تضعیف نقش پدر در جامعه‌پذیری فرزندان	ساختاری	۲۰ (۷۹ قطعه)	(۳/۹)	۴۳	%۷۸	بالا
		نسلی	ساختاری	۲۰ (۸۱ قطعه)	(۴/۰)	۴۴	%۸۰	بالا
		آسیب به فرآیند اجتماعی شدن فرزندان	ساختاری					

همان‌طور که گفته شد، در این پژوهش، اعداد نه به منظور جایگزینی تفسیر کیفی، بلکه برای تقویت و مستندسازی آن به کار رفته‌اند. از این منظر، عدد به‌عنوان ابزار تحلیلی، در تعامل با معنا عمل می‌کند؛ به این معنا که تفسیر کیفی بدون عدد ناقص نیست، اما عدد می‌تواند شفافیت، قابلیت ارزیابی و انسجام درونی تفسیر را افزایش دهد.

یافته‌ها

در نهایت پس از مشخص شدن مضامین و خرده مضامین مربوط به پیامدهای خانواده دورزی در دو سطح خانوادگی و اجتماعی و به دست آمدن میزان تأثیر و شیوع هریک در

نهادهای بیرونی. خانواده دورزی با هزینه‌های مضاعف معیشتی و کاهش کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی مواجه است.

بحث

۱. تحلیل یافته‌ها

در پژوهش حاضر ضمن پیوند دادن یافته‌ها با چهارچوب‌های نظری جامعه‌شناختی، تلاش شده است با کشف ساختارهای زیربنایی تجربه زیسته، تصویری منسجم، چندلایه و معنادار از پدیده «خانواده‌های دورزی» ارائه شود. تمرکز اصلی این تحلیل، فراتر رفتن از توصیف صرف داده‌ها و تبیین پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی این پدیده در بستر تحولات شغلی و اقتصادی معاصر است.

یافته‌های این پژوهش که با روش پدیدارشناسی و از طریق مصاحبه عمیق با ۳۶ نفر از رانندگان متأهل شاغل در شرکت‌های حمل و نقل اینترنتی اسنپ در شهر تهران به دست آمده است، در دو محور اصلی طبقه‌بندی شد:

۱. پیامدهای خانوادگی (شامل ۵ مضمون اصلی و ۱۴ خرده‌مضمون)

۲. پیامدهای اجتماعی (شامل ۳ مضمون اصلی و ۱۴ خرده‌مضمون)

تحلیل یافته‌ها نشان داد که پدیده خانواده دورزی، تأثیراتی چندلایه و پیچیده بر ساختار روانی، زیستی، عاطفی و عملکردی اعضای خانواده، به‌ویژه پدران شاغل، بر جای می‌گذارد. این تأثیرات صرفاً محدود به بعد مکانی دوری فیزیکی نیست، بلکه به تدریج به سطوح عمیق‌تری از تجربه زیسته، معنا، هویت، امنیت زیستی و روابط اجتماعی خانواده نفوذ می‌کند.

براساس خرده‌مضمین‌های مانند «فرسایش سرمایه عاطفی زوجین»، «گسست عاطفی و کاهش پایداری پیوندهای خانوادگی» و «افزایش فشار روانی و بار مسئولیتی مضاعف بر مادر» که همگی از شیوع بالا و شدت قابل توجه برخوردار بودند، می‌توان گفت خانواده دورزی در اغلب موارد نه یک انتخاب آگاهانه، بلکه وضعیتی تحمیلی و برآمده از فشارهای اقتصادی و ساختاری است. این وضعیت، پدران را در معرض نوعی تجربه «غربت در وطن» قرار می‌دهد؛ غربتی که نه در

جامعه هدف، پیامدها در دسته‌بندی‌هایی کلی‌تر به شرح زیر مشخص شد:

۱. پیامدهای خانوادگی

در محور خانوادگی، ۵ مضمون اصلی و ۱۴ خرده‌مضمون شناسایی شد که می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

۱-۱. پیامدهای ساختاری: تغییر نقش‌ها، اختلال در الگوهای ارتباطی، کاهش اقتدار والدین و دوگانگی نقش. خانواده‌های دورزی با اختلال در الگوهای ارتباطی و نقش والدین مواجه‌اند. همسو با نظریه کارکردگرایی پارسونز؛ جدایی مکانی پایدار، نقش‌ها را مختل می‌کند.

۲-۱. پیامدهای عاطفی، روانی و زیستی: فشار روانی، اضطراب، کم‌خوابی، تغذیه نامناسب، تنهایی، کاهش رضایت زناشویی و همسو با نظریه دلبستگی جان بولبی؛ فاصله طولانی پیوند عاطفی را تضعیف و احساس ناامنی زیستی و روانی را افزایش می‌دهد.

۳-۱. پیامدهای عملکردی: ضعف در تربیت فرزندان، فقدان الگوهای تعاملی پایدار و کاهش کارکردهای حمایتی. مطابق نظریه اجتماعی شدن اولیه برگر و لاکمن؛ کاهش حضور والد، فرآیند اجتماعی شدن را ناقص می‌کند.

۲. پیامدهای اجتماعی

در محور اجتماعی، ۳ مضمون اصلی و ۱۴ خرده‌مضمون شناسایی شد که در سه حوزه دسته‌بندی می‌شوند:

۱-۲. پیامدهای شبکه‌ای و بین فردی: کاهش سرمایه اجتماعی، انزوای اجتماعی و کاهش مشارکت مدنی. همسو با نظریه پاتنام؛ جدایی مکانی پیوندهای افقی و اعتماد اجتماعی را تضعیف می‌کند.

۲-۲. پیامدهای فرهنگی و هویتی: تغییر ارزش‌ها، تعارض فرهنگی و کاهش همبستگی محلی. مطابق نظریه هویت اجتماعی تاجفل؛ زندگی در دو محیط فرهنگی متفاوت انسجام خانواده و جامعه محلی را تهدید می‌کند.

۳-۲. پیامدهای اقتصادی، زیستی و اجتماعی: افزایش فشار معیشتی، کاهش حمایت‌های غیررسمی و وابستگی به

دورزی به تدریج از شبکه‌های خویشاوندی و اجتماعی فاصله می‌گیرند. این نتایج با نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام همخوانی دارد که بر نقش پیوندهای اجتماعی، اعتماد و مشارکت در انسجام اجتماعی تأکید می‌کند.

همچنین مضامینی نظیر «تغییر الگوهای مکانی و جمعیتی»، «تمایل به مهاجرت خانوادگی» و «اختلال در بازتولید فرهنگی و نسلی» نشان می‌دهد که دورزیستی می‌تواند به تضعیف فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان و گسست نسلی منجر شود. این یافته‌ها، دورزیستی را به مثابه یک پدیده ساختارشکن در بازتولید فرهنگی و اجتماعی جامعه معرفی می‌کند.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دورزیستی یک مسأله صرفاً فردی یا خانوادگی نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و نوظهور است که پیامدهای آن به‌طور هم‌زمان در سطح خرد (روابط عاطفی، نقش‌های خانوادگی و تجربه زیسته) و در سطح کلان (سرمایه اجتماعی، انسجام فرهنگی و بازتولید نابرابری‌ها) قابل مشاهده است. این یافته‌ها ضمن همخوانی با پژوهش‌های پیشین در حوزه خانواده و مهاجرت‌های کاری، ابعاد تازه‌ای از پدیده خانواده‌های دورزی را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که جمعیت این نوع خانواده به شدت رو به فزونی است. این امر در مصاحبه‌ها کاملاً مشخص بود زیرا هریک از مشارکت‌کنندگان تعداد زیادی از افراد را با این شرایط زندگی می‌شناختند و معرفی می‌کردند. این مسأله ضرورت توجه سیاست‌گذاران اجتماعی، نهادهای شغلی و نظام رفاه اجتماعی به این گروه از خانواده‌ها را برجسته می‌کند.

در ادامه تفسیری تجمیعی از یافته‌ها براساس سنجه‌های کمی به صورت مختصر آورده شده است که مؤید مطالب مذکور است. با توجه به سنجه‌های عملیاتی تعریف‌شده، لنگرهای مقیاس، میزان شیوع، شدت اثر، چگالی و شاخص اهمیت / اولویت (tps-a)، تفسیر تجمیعی یافته‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود:

براساس داده‌های به دست آمده، در محور پیامدهای خانوادگی، خرده‌مضمون «فرسایش عاطفی میان زوجین» با میزان شیوع ۸۶/۰، شدت تأثیر ۸۶/۰، چگالی ۳/۴ و شاخص اهمیت / اولویت (tps-a = 74)، در رتبه نخست قرار گرفته و به‌عنوان تم هسته‌ای شناسایی شده است. این یافته نشان

سطح جغرافیایی، بلکه در سطح روابط عاطفی و تعاملات خانوادگی تجربه می‌شود.

تحلیل پدیدارشناختی داده‌ها نشان می‌دهد که این غربت، در روایت‌های مشارکت‌کنندگان به صورت احساس تعلیق، دوگانگی نقش و ناتوانی در ایفای هم‌زمان نقش‌های پدری، همسری و نان‌آوری بازنمایی می‌شود. از این منظر، دورزیستی صرفاً یک وضعیت مکانی نیست، بلکه به شکل‌گیری یک «زیست‌جهان متفاوت» منجر می‌شود؛ زیست‌جهانی که در آن تجربه زمان، انتظار، حضور و انسجام خانوادگی دچار دگرگونی اساسی می‌گردد.

براساس مبانی نظری مرتبط، یافته‌ها در سطح ساختاری با دیدگاه کارکردگرایی قابل تبیین است. براساس نظریه پارسونز، خانواده زمانی کارکرد بهینه دارد که نقش‌های والدینی، پایدار، مکمل و قابل پیش‌بینی باشند. در حالی که یافته‌های پژوهش حاضر، به‌ویژه در مضامینی مانند «نابسامانی در نقش‌های والدینی»، «تغییر مرجعیت قدرت درون خانواده» و «ضعف در تصمیمات مشترک خانوادگی»، حاکی از نوعی شکاف میان انتظارات فرهنگی از نقش پدر و واقعیت زیسته او در شرایط اشتغال دورزی است؛ شکافی که به اختلال در کارکردهای اساسی نهاد خانواده منجر می‌شود.

در سطح معنایی و هویتی، نظریه کنش متقابل نمادین چهارچوب مناسبی برای فهم داده‌ها فراهم می‌آورد. براساس خرده‌مضامینی نظیر «احساس ناکارآمدی در نقش همسری»، «احساس گناه یا شرمندگی والد دور از خانه» و «تزلزل جایگاه اجتماعی خانواده»، پدران دورزی در فرآیندی مستمر در تلاش‌اند تا معنای جدیدی از نقش خود بازتعریف کنند. با این حال، این بازتعریف اغلب با تعارض، ناکامی و احساس بی‌کفایتی همراه است؛ امری که نشان‌دهنده شکنندگی هویت نقش در بستر شرایط ناپایدار شغلی است.

در بعد زیستی و اجتماعی، یافته‌ها نشان داد که پیامدهای دورزیستی فراتر از مرزهای خانواده گسترش می‌یابد. مضامینی مانند «ناامنی زیستی و اجتماعی»، «افزایش احساس بیگانگی اجتماعی»، «احساس انگ و تبعیض» و «کاهش مشارکت در نهادهای اجتماعی و مدنی» بیانگر آن است که خانواده‌های

می‌دهد که دورزیستی، پیش و بیش از هر پیامد دیگر، بنیان‌های عاطفی رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تدریج به فرسایش پیوند زوجین می‌انجامد.

در محور پیامدهای اجتماعی نیز خرده‌مضمون «ناامنی زیستی / اجتماعی» با میزان شیوع ۸۰/۰، شدت تأثیر ۹۲/۰، چگالی ۶/۴ و شاخص اهمیت / اولویت ($tps - a = 73$)، در رتبه نخست قرار گرفته و به‌عنوان تم هسته‌ای گزارش شده است. این یافته بیانگر آن است که خانواده‌های دورزی نه تنها در سطح فردی و خانوادگی، بلکه در سطح اجتماعی نیز با نوعی نااطمینانی ساختاری مواجه‌اند که ابعاد معیشتی، شغلی و منزلتی را به‌طور هم‌زمان دربر می‌گیرد. با توجه به عوامل زمینه‌ای مؤثر بر این وضعیت، پیشنهادهای سیاستی متناسب در بخش پایانی پژوهش ارائه شده است.

علاوه بر این، سایر تم‌های هسته‌ای که براساس شاخص اهمیت / اولویت در سطح بسیار بالا قرار گرفته‌اند، به شرح زیر شناسایی شدند:

- افزایش فشار روانی و بار مسئولیتی مضاعف بر مادر با ($tps - a = 71$) از محور خانوادگی

- احساس تبعیض یا بی‌عدالتی اجتماعی با ($tps - a = 66$) از محور اجتماعی

- ناامنی شغلی در میان رانندگان و خانواده‌های آنان با ($tps - a = 66$) از محور اجتماعی

- فرسایش تدریجی روابط زناشویی با ($tps - a = 63$) از محور خانوادگی

- ناامنی روانی / اجتماعی خانواده با ($tps - a = 62$) از محور اجتماعی

- کاهش سرمایه اجتماعی و تضعیف شبکه‌های حمایتی خانواده با ($tps - a = 61$) از محور اجتماعی

این مضامین، به‌عنوان پیامدهایی با اهمیت بسیار بالا و گستره فراگیر شناسایی شدند؛ به گونه‌ای که تجربه محوری مشارکت‌کنندگان در ارتباط با آن‌ها، اغلب با روایت‌های مفصل، همراه با رنج، تعارض یا تغییر معنادار در الگوهای رفتاری و روابط خانوادگی گزارش شده است. ازاین‌رو، این

مضامین بیشترین اولویت را برای مداخلات اجتماعی، حمایتی و سیاست‌گذاری دارا هستند.

در سطح بعدی، مضامینی با درجه اهمیت بالا و پیامدهای ملموس در زندگی روزمره، براساس شاخص اهمیت / اولویت ($tps - a$) در بازه ۴۰ تا ۶۰ شناسایی شدند که عبارت‌اند از:

- گسست عاطفی و کاهش پایداری پیوندهای خانوادگی با ($tps - a = 57$)

- احساس طردشدگی و حاشیه‌نشینی پدر در نظام عاطفی خانواده با ($tps - a = 54$)

- ضعف در تصمیم‌گیری‌های مشترک خانوادگی با ($tps - a = 53$)

- تغییر در مرجعیت قدرت در خانواده با ($tps - a = 53$)

- بی‌اعتمادی و سوءظن متقابل میان زوجین با ($tps - a = 52$)

- گسست از شبکه‌های خویشاوندی با ($tps - a = 52$)

- کاهش مشارکت در نهادهای اجتماعی و مدنی با ($tps - a = 52$)

- نابسامانی در نقش‌های والدینی و فرزندپروری با ($tps - a = 50$)

- احساس گناه یا شرمندگی والد دور از خانه با ($tps - a = 49$)

- احساس ناکارآمدی در نقش همسری با ($tps - a = 46$)

- آسیب به فرآیند اجتماعی شدن فرزندان با ($tps - a = 44$)

- تضعیف نقش پدر در جامعه‌پذیری فرزندان با ($tps - a = 43$)

- تقلیل نقش والد به پشتیبان مالی صرف با ($tps - a = 41$)

این مضامین نشان‌دهنده اختلال تدریجی اما پایدار در کارکردهای عاطفی، تربیتی و تعاملی خانواده‌های دورزی هستند و پیامدهای آن‌ها در زندگی روزمره مشارکت‌کنندگان به صورت ملموس تجربه می‌شود.

در نهایت، مضامینی که براساس شاخص اهمیت / اولویت ($tps - a$) در بازه ۲۰ تا ۳۹ قرار گرفتند، به‌عنوان تم‌های حساس و هشداردهنده شناسایی شدند که عبارت‌اند از:

- تمایل به مهاجرت خانوادگی و ترک محل سکونت با ($tps - a = 39$)

۲-۲. تنهایی، انزوا و تزلزل هویت نقش‌های خانوادگی. در چهارچوب پدیدارشناسی، این تجربه نه صرفاً به‌عنوان پیامد عینی دوری مکانی، بلکه به مثابه تغییری در شیوه درک و زیستن جهان روزمره تحلیل می‌شود؛ جهانی که در آن معناها پیشین نقش‌ها کارایی خود را از دست داده است و فرد با نوعی بی‌ثباتی هویتی مواجه می‌گردد.

۳-۲. تعارض معنایی میان کار و خانواده. رویکرد پدیدارشناختی این تعارض را به‌عنوان شکافی در نظام معنایی کنشگران تبیین می‌کند؛ شکافی که تجربه زیسته آنان را به‌طور مستمر با احساس فقدان، تعارض درونی و نارضایتی همراه می‌سازد.

۴-۲. آگاهی انتقادی و میل به بازسازی موقعیت زیسته. این آگاهی را می‌توان در چهارچوب پدیدارشناسی به مثابه «بیداری معنایی» تفسیر کرد؛ وضعیتی که در آن فرد از پذیرش منفعلانه شرایط فاصله گرفته و به‌سوی کنش معنادار و مطالبه‌گرانه حرکت می‌کند.

به‌طورکلی تحلیل پدیدارشناختی پیامدهای خانوادگی نشان می‌دهد که در تجربه زیسته خانواده‌های دورزی، «خانه» از یک فضای امن، حامی و تثبیت‌کننده هویت، به عرصه‌ای برای مدیریت مستمر بحران‌های عاطفی، ارتباطی و نقش‌آفرینانه تبدیل شده است. این دگرگونی، انسجام درونی خانواده و کارکردهای عاطفی آن را در سطحی عمیق با اختلال مواجه می‌سازد.

همچنین، در سطح اجتماعی، تجربه زیسته این خانواده‌ها واجد نوعی «حاشیه‌نشینی عاطفی و اجتماعی» است؛ به‌گونه‌ای که به‌تدریج از شبکه‌های خویشاوندی، حمایتی و مشارکتی فاصله گرفته و احساس تعلق اجتماعی آنان تضعیف می‌شود. این وضعیت، در بلندمدت می‌تواند به فرسایش سرمایه اجتماعی، کاهش انسجام اجتماعی و بازتولید نابرابری‌های ساختاری در جامعه منجر شود.

۳. تلفیق یافته‌ها و کشف ذات پنهان پدیده

تحلیل تلفیقی داده‌های حاصل از دو حوزه پیامدهای خانوادگی و اجتماعی نشان می‌دهد که این پیامدها نه به صورت مجزا، بلکه در قالب یک چرخه تعاملی و تقویت‌کننده

- فقدان الگوهای تعاملی پایدار میان والدین و فرزندان با (tps-a = 38)

- افزایش احساس بیگانگی اجتماعی در خانواده‌های دورزی با (tps-a = 37)

- تشدید احساس انگ و نگاه منفی اجتماعی با (tps-a = 37)

- احساس غریبگی و تزلزل جایگاه اجتماعی خانواده در جامعه محلی با (tps-a = 34)

- افزایش شکاف نسلی میان فرزندان و والد دور از خانه با (tps-a = 34)

بررسی روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که این مضامین اغلب با توصیف‌های کوتاه‌تر و پیامدهای محدودتر گزارش شده‌اند؛ با این حال، ماهیت آن‌ها به گونه‌ای است که می‌توانند در شرایط خاص به رخدادهای بحرانی منجر شوند. ازاین‌رو، این مضامین به مثابه «زنگ خطر» تلقی می‌شوند که نیازمند پایش و مداخله پیشگیرانه‌اند.

در ادامه به بُعد معنایی یافته‌ها و تفاسیر مربوطه و نیز ذات پنهان پدیده پرداخته شده که با توجه به روش پژوهش و رویکردهای مربوطه، امری ضروری به نظر می‌رسید.

۲. تفاسیر معنایی یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش حاضر، فهم معنای زیسته پدیده «زندگی دور از خانواده» در میان رانندگان شرکت اسنپ است تفاسیر معنایی استخراج‌شده از مصاحبه‌ها به شرح زیر قابل صورت‌بندی است:

۱-۲. تجربه زیسته به مثابه رنج اجتماعی. یافته‌ها نشان می‌دهد که رانندگان دور از خانواده، رنج زیسته خود را نه صرفاً در قالب خستگی جسمانی، فشار کاری یا محرومیت اقتصادی، بلکه به مثابه یک وضعیت ساختاری و مزمن تجربه می‌کنند. از منظر پدیدارشناختی، این رنج در روایت‌ها نه به‌عنوان حادثه‌ای مقطعی، بلکه به‌عنوان بخشی از زیست‌جهان روزمره مشارکت‌کنندگان معنا می‌یابد و بازتابی از شرایط ساختاری نابرابر است که امکان انتخاب‌های بدیل را محدود می‌کند.

والدین جوان‌تر، بیش از سایر مشارکت‌کنندگان، احساس بی‌اعتمادی، ناامنی عاطفی و تنهایی روانی را تجربه کرده بودند که می‌توان آن را در پیوند با کاهش حمایت‌های اجتماعی غیررسمی تفسیر کرد.

۵. مقایسه یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین

در پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد پدیدارشناختی، امکان فهم تجربه زیسته رانندگان دور از خانواده فراهم شد. برخلاف اغلب مطالعات کمی، در این پژوهش به عمق معنایی، احساسات درونی، و واکنش‌های روانی - اجتماعی مشارکت‌کنندگان توجه ویژه شده است. از این رو، می‌توان گفت که این تحقیق با وجود همسویی با پژوهش‌های پیشین، لایه‌های عمیق‌تری از واقعیت زیسته خانواده‌های دورزی را نمایان ساخته است. از طرفی هم، کشف «خلأ حمایتی دووجهی» به‌عنوان ذات پنهان، یافته‌ای بدیع است که کمتر در ادبیات پیشین به آن پرداخته شده است.

با توجه به ماهیت نوظهور و چندلایه پدیده خانواده‌های دورزی مطالعات تحقیقی زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. انجام مطالعات کمی و ترکیبی به منظور تعمیم‌پذیری یافته‌ها و آزمون روابط میان متغیرهای استخراج‌شده در این پژوهش؛

۲. مطالعه هم‌زمان تجربه همسران و فرزندان رانندگان تا درک جامع‌تری از پیامدهای متقابل و پویایی درون‌خانوادگی حاصل شود.

۳. مطالعات تطبیقی میان‌فرهنگی و بین‌منطقه‌ای: بررسی پدیده خانواده‌های دورزی در بسترهای فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی متفاوت می‌تواند نقش عوامل فرهنگی، هنجاری و ساختاری را در شدت و نوع پیامدهای این پدیده روشن‌تر سازد.

در نهایت باید گفت، هر پژوهشی با وجود تلاش برای دقت علمی، با محدودیت‌هایی مواجه است که ممکن است بر تعمیم‌پذیری، گستره تحلیل نتایج، اجرای میدانی، بیان صادقانه مشارکت‌کنندگان و ... تأثیرگذار باشد. در این پژوهش نیز با وجود دقت در انتخاب نمونه‌ها و انجام مصاحبه‌های عمیق، محدودیت‌هایی وجود داشت که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

یکدیگر عمل می‌کنند. در سطح تحلیل پدیدارشناختی، این چرخه به شکل‌گیری تجربه‌ای مشترک و بنیادین در میان مشارکت‌کنندگان منجر شده است که می‌توان آن را «زیست در خلأ حمایتی» نام‌گذاری کرد. این مفهوم بیانگر وضعیتی است که در آن کنشگران نه در درون خانواده و نه در عرصه اجتماعی، از شبکه‌ای پایدار از حمایت عاطفی و اجتماعی برخوردار نیستند. چنین برداشتی با رویکرد پدیدارشناسی که بر فهم معنای تجربه زیسته از منظر آگاهی کنشگر تأکید دارد، همخوانی دارد (۱۶).

۴. تفسیر تحلیلی ارتباط میان مضامین و برخی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

علی‌رغم محدودیت دسترسی به جامعه آماری مشخص و با توجه به ماهیت کیفی و پدیدارشناختی پژوهش، برخی الگوهای معنادار در خلال مصاحبه‌ها به‌طور مکرر مشاهده شد که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان نشانه‌های تحلیلی اولیه مطرح کرد:

احساس گناه در میان پدرانی که دارای فرزندان خردسال بودند، شدیدتر گزارش شد که می‌تواند با نیازهای عاطفی بالاتر این گروه سنی از فرزندان مرتبط باشد.

مشارکت‌کنندگانی که تعداد فرزندان بیشتری داشتند، تعارض نقش پدرانه و نان‌آورانه را به شکل حادتری تجربه می‌کردند؛ تعارضی که در نظریه نقش به‌عنوان پیامد هم‌پوشانی انتظارات اجتماعی تبیین می‌شود.

رانندگان جوان‌تر، مسائل عاطفی، نارضایتی همسر و تنش‌های ارتباطی را بیش از سایر گروه‌های سنی گزارش دادند که می‌تواند ناشی از ناپایداری بیشتر هویت و روابط در مراحل اولیه چرخه زندگی خانوادگی باشد.

خانواده‌هایی با سبک زندگی سنتی، سازگاری بیشتری با دوری مکانی از سرپرست خانواده نشان دادند؛ امری که می‌توان آن را در چهارچوب هنجارهای نقش‌محور و تقسیم کار جنسیتی تحلیل کرد.

والدینی با سطح تحصیلات بالاتر، راهبردهای ارتباطی و مدیریتی مؤثرتری برای مواجهه با مسأله دوری گزارش کردند که با مفهوم سرمایه فرهنگی همخوان است.

- محدودیت زمانی و مکانی برای انجام مصاحبه‌ها و عدم امکان دسترسی به برخی گروه‌های قومی؛

- اثر مصاحبه‌گر: در پژوهش‌های پدیدارشناختی، رابطه و تعامل بین پژوهشگر و مشارکت‌کننده می‌تواند بر نحوه بیان و عمق اطلاعات تأثیر بگذارد؛

- نمونه‌گیری هدفمند: این امر باعث غنای داده‌ها شد، اما امکان دارد برخی تنوع‌های تجربی در جامعه اصلی منعکس نشده باشد؛

- شرایط اقتصادی و اجتماعی زمان انجام پژوهش: متغیرهایی مانند وضعیت اقتصادی کشور، سیاست‌های اجتماعی و تغییرات فناوری ارتباطی در زمان پژوهش ممکن است بر شدت و نوع پیامدها اثر گذاشته باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر تجربه زیسته ۳۶ نفر از رانندگان شاغل در شرکت حمل‌ونقل اینترنتی اسنپ، نشان داد که پدیده «خانواده دورزی» نه یک وضعیت موقتی، بلکه فرآیندی مستمر، چندلایه و ساختاری است که پیامدهای آن به‌طور هم‌زمان در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی بروز می‌یابد. یافته‌ها بیانگر آن است که جدایی مکانی و زمانی والد از خانواده، به‌ویژه در بستر شهری تهران، انسجام عاطفی و کارکردی خانواده را با چالش‌های عمیق مواجه می‌سازد؛ چالش‌هایی که از فرسایش سرمایه عاطفی میان زوجین آغاز شده و به تضعیف نقش‌های والدینی، فشار زیستی و روانی مزمن و تشدید تعارضات زناشویی امتداد می‌یابد.

تحلیل یافته‌ها منجر به شناسایی دو محور اصلی پیامدها شد: پیامدهای خانوادگی (شامل ۵ مضمون اصلی و ۱۴ خرده‌مضمون) و پیامدهای اجتماعی (شامل ۳ مضمون اصلی و ۱۴ خرده‌مضمون). این دو دسته پیامد، نه به صورت مستقل، بلکه در قالب یک چرخه تأثیر متقابل عمل می‌کنند؛ به گونه‌ای که فشارهای روانی و عاطفی درون خانواده، مشارکت اجتماعی اعضا را کاهش داده و تضعیف شبکه‌های اجتماعی و حمایتی نیز به تشدید تنش‌های خانوادگی می‌انجامد. هم‌زمان،

جابه‌جایی نقش‌ها در خانواده، بازتعریف انتظارات اجتماعی از جایگاه زن و مرد را نیز در پی دارد.

در بعد اجتماعی، نتایج نشان داد که خانواده‌های دورزی علاوه بر مشکلات عمیق زیستی / اجتماعی، به تدریج با فرسایش سرمایه اجتماعی مواجه می‌شوند؛ شبکه‌های خویشاوندی و محلی تضعیف شده، احساس بیگانگی و طرد اجتماعی افزایش می‌یابد و مشارکت در نهادهای اجتماعی و مدنی کاهش پیدا می‌کند. افزون بر این، تغییر در الگوهای مکانی و جمعیتی، فاصله‌گیری این خانواده‌ها از بافت‌های بومی و سنتی را تشدید کرده و در سطحی عمیق‌تر، اختلال در بازتولید فرهنگی و نسلی را به دنبال دارد؛ به‌طوری‌که فرزندان، در فقدان الگوهای تعاملی پایدار، با سردرگمی هویتی و وقفه در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی مواجه می‌شوند.

تحلیل لایه‌های معنایی تجربه دورزیستی در بافت فرهنگی ایران، سه هسته معنایی مشترک را آشکار ساخت که زیربنای تمامی پیامدها را شکل می‌دهند: نخست، پارادوکس نقش‌ها و مسئولیت‌ها که والدان دور از خانه را میان نقش تأمین‌کننده اقتصادی و نقش عاطفی - تربیتی گرفتار می‌سازد؛ دوم، تغییر ساختار قدرت و صمیمیت در خانواده که به جابه‌جایی نقش‌ها، افزایش فشار بر همسر باقی‌مانده و بازتعریف اقتدار خانوادگی منجر می‌شود؛ و سوم، دوگانگی تعلق مکانی و هویتی که در قالب «حضور غایب» تجربه می‌شود و معنای مرکزی زیست خانواده‌های دورزی را شکل می‌دهد.

در مجموع، این پژوهش با تلفیق یافته‌های تجربی و تحلیل آن‌ها در پرتو نظریه‌های جامعه‌شناسی خانواده، نقش و سرمایه اجتماعی، به یک مدل مفهومی دست یافت که دورزیستی را نه صرفاً یک وضعیت مکانی، بلکه نوعی «وضعیت وجودی» می‌داند؛ وضعیتی که روابط انسانی را در سطح خرد (خانواده) و سطح کلان (جامعه) تضعیف کرده و چرخه‌ای از آسیب‌های متقابل را بازتولید می‌کند و نشان می‌دهد که دورزیستی، زیستی چندلایه است که در آن افراد ناگزیرند هم‌زمان با غیبت، انتظار، بازتعریف نقش‌ها و قضاوت‌های اجتماعی، مواجه شوند.

مشارکت نویسندگان

رسول فلاحیان: جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها و نتیجه‌گیری از مطالعه و ارائه پیشنهادها.
 باقر ساروخانی: پیشنهاد موضوع، طرح روش تحقیق و مطالعه، نظارت بر مراحل کدگذاری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها.
 پروین سوادیان: بازبینی، اصلاح و بازنگری نهایی متن.
 نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انتخاب روش تحقیق، تکمیل پیشنه تحقیق و بازنویسی متن از ابزار هوش مصنوعی استفاده شده است.

بر این اساس، نتایج پژوهش بر ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های کلان در حوزه جمعیت و خانواده یعنی به رسمیت شناختن این نوع از خانواده در سطح ملی با تشکیل کمیته ملی و سامانه‌های ملی ثبت و نظارت بر خانواده‌های دورزی، تقویت نظام‌های رفاه و تأمین اجتماعی برای کاهش فشارهای اقتصادی و روانی، و طراحی مداخلات فرهنگی و آموزشی به منظور حفظ پیوندهای خانوادگی و اجتماعی و نیز انجام مطالعات کمی و کیفی بیشتری در رابطه با این پدیده تأکید دارد تا از یک طرف از ازدیاد آن جلوگیری شود و از طرفی پیامدهای زیستی / اجتماعی و خانوادگی آن مورد بررسی و کنترل قرار گیرد. با عنایت به نتایج کمی و کیفی به دست آمده از پژوهش، لازم است آن دسته از پیامدها که براساس شاخص‌های شدت و تأثیر، میزان شیوع و به‌خصوص شاخص اهمیت / اولویت، در سطح بالاتری و به‌عنوان تم هسته‌ای شناخته شدند، در اولویت تصمیم‌گیری برای هرگونه مداخله و اقدام لازم در برخورد با این پدیده در نظر گرفته شوند. در نهایت می‌توان گفت دورزیستی آزمونی جدی برای تاب‌آوری خانواده ایرانی در برابر تحولات اقتصادی - اجتماعی معاصر است؛ آزمونی که بدون مداخلات آگاهانه و هدفمند، می‌تواند پیامدهای بلندمدت و پیچیده‌ای برای پایداری خانواده و انسجام اجتماعی به همراه داشته باشد. براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاداتی کاربردی به شرح زیر عنوان می‌گردد:

۱. تولیدات رسانه‌ای و فرهنگی با محوریت زندگی و مسائل رانندگان دورزی، که بتواند به افزایش آگاهی عمومی و حساسیت اجتماعی نسبت به این مسأله بیانجامد.
۲. ایجاد سامانه ملی و تشکیل کارگروه ملی حمایت از خانواده‌های دورزی.
۳. حمایت هدفمند دولت از شرکت‌های حمل‌ونقل اینترنتی: ازجمله پوشش‌های بیمه‌ای، امکانات اسکان موقت، و خدمات رفاهی، می‌تواند در کاهش بخشی از پیامدهای زیستی خانواده مؤثر باشد.

References

1. Bales RF, Parsons T. Family: Socialization and interaction process. routledge; 2014.
2. Beck U, Beck-Gernsheim E. Individualization: Institutionalized individualism and its social and political consequences. London: Sage Publications; 2002.
3. Yeoh BS, Lam T. The costs of (im) mobility: Children left behind and children who migrate with a parent. *Perspectives on Gender and Migration*. 2007; 38: 120-149.
4. Greenhaus JH, Beutell NJ. Sources of conflict between work and family roles. *Acad Manage Rev*. 1985; 10(1): 76-88.
5. Mohammadi Moradlou R, Sarokhani B, Mohammadi A. Sociological study of the social consequences of the Dorzi family with emphasis on the displacement of social capital (Case study of construction workers living in Tehran in 1397-98). *Iranian Journal of Political Sociology*. 2022; 5(5): 1138-1156. [Persian]
6. Lopez A. Effects of parents' long-distance transportation jobs on family mental health and cohesion. *BMC Public Health*. 2023.
7. Van Manen M. Researching lived experience: Human science for an action-sensitive pedagogy. 2nd ed. London: Routledge; 2016.
8. Coleman JS. Social capital in the creation of human capital. *Am J Sociol*. 1988; 94: S95-S120.
9. Navidnia M. Social Security and Family. Tehran: Samt Publications; 2009. P.21. [Persian]
10. Mead GH. Mind, self and society. Chicago: University of Chicago Press; 1934.
11. Bourdieu P. The forms of capital. Edited by Richardson JG. In: *Handbook of theory and research for the sociology of education*. New York: Greenwood Press; 1986. p. 241-258.
12. Smith JA, Flowers P, Larkin M. Interpretative phenomenological analysis. London: Sage Publications; 2009.
13. Smith JA, Osborn M. Interpretative phenomenological analysis. Edited by Smith JA. In: *Qualitative psychology: A practical guide to research methods*. London: Sage Publications; 2008.
14. Patton MQ. Qualitative research & evaluation methods. 4th ed. Thousand Oaks: Sage Publications; 2015.
15. Lincoln YS, Guba EG. Naturalistic inquiry. Beverly Hills: Sage Publications; 1985.
16. Schutz A. The phenomenology of the social world. Evanston: Northwestern University Press; 1967.